



از اقتصاد غیررسمی تا عدالت شغلی: مسیرهایی برای بازسازی و رسمی سازی بازار کار در ایران

در ایران، حدود ۵۶ درصد از کل اشتغال، غیررسمی است. کاهش اشتغال غیررسمی از طریق ترکیبی از سیاست های رسمی سازی، توانمندسازی، حمایت اجتماعی، اصلاحات نهادی و بازتعریف رابطه دولت با نیروی کار امکان پذیر است. از طرفی، برنامه ریزی دقیق، داده محوری و مشارکت ذی نفعان کلید موفقیت سیاست های مقابله با چالش های مشاغل غیررسمی در ایران هستند.

و در بخش خدمات ۲۸ درصد است. مطالعات تطبیقی و تجربیات کشورهای مختلف نشان می دهد که کاهش اشتغال غیررسمی از طریق ترکیبی از سیاست های رسمی سازی، توانمندسازی، حمایت اجتماعی و اصلاحات نهادی و بازتعریف رابطه دولت با نیروی کار امکان پذیر است. این رویکردها می توانند مسیر توسعه پایدار، کاهش فقر و تحقق عدالت شغلی را هموار سازند. از طرفی، برنامه ریزی دقیق، داده محوری و مشارکت ذی نفعان کلید موفقیت سیاست های مقابله با چالش های مشاغل غیررسمی در ایران هستند.

در مشاغل غیررسمی مشغول هستند. این مشاغل در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند، در حالی که در اقتصادهای پیشرفته این رقم به ۱۵ درصد می رسد. در ایران نیز بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱)، حدود ۵۶ درصد از کل اشتغال غیررسمی است: ۶۳ درصد برای زنان و ۵۸ درصد برای مردان. این رقم در مناطق روستایی به بیش از ۷۵ درصد می رسد، در حالی که در مناطق شهری حدود ۵۰ درصد است. بخش کشاورزی با ۷۴ درصد بالاترین سطح اشتغال غیررسمی را دارد و این نرخ در بخش صنعت ۶۷ درصد

مشاغل غیررسمی به عنوان بخش جدایی ناپذیر اقتصادهای جهانی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اگرچه نقش مهمی در ایجاد فرصت های شغلی و تأمین معیشت دارند، با چالش های جدی در تحقق عدالت شغلی همراه هستند. مشاغل غیررسمی با ویژگی هایی چون عدم امنیت شغلی، دستمزد پایین، نبود حمایت های اجتماعی و شرایط کاری نامناسب، نابرابری های جنسیتی و طبقاتی را تشدید کرده و مانع دستیابی به مشاغل شایسته می شوند. طبق گزارش صندوق بین المللی پول (۲۰۲۴)، بیش از نیمی از نیروی کار جهان یعنی حدود ۲ میلیارد نفر

چکیده ای از پیشنهاد های سیاستی برای مقابله با چالش های اشتغال غیررسمی در ایران

مرکز آمار + وزارت ارتباطات

- ابزار اجرایی: داشبورد پایش ملی اشتغال
- اقدامات کلیدی: نقشه اشتغال غیررسمی، رصد هوشمند
- حوزه مداخله: شفاف سازی و نظارت

سازمان آموزش فنی و حرفه ای

- ابزار اجرایی: مراکز فنی و حرفه ای سیار
- اقدامات کلیدی: آموزش مهارت محور، گواهی شغلی
- حوزه مداخله: ارتقاء مهارت

وزارت رفاه + بهزیستی

- ابزار اجرایی: بسته های معیشتی هدفمند
- اقدامات کلیدی: یارانه دستمزد، بیمه خرد، آموزش رایگان
- حوزه مداخله: حمایت از آسیب پذیران

وزارت کار + سازمان امور مالیاتی

- ابزار اجرایی: سامانه یکپارچه ثبت
- اقدامات کلیدی: مشوق های مالیاتی و بیمه ای، ثبت رایگان
- حوزه مداخله: رسمی سازی اشتغال

نگاهی به چالش‌های اشتغال غیررسمی در ایران

اشتغال غیررسمی علاوه بر پیامدهای اقتصادی مانند فرارهای مالیاتی، نوسانات درآمدی خانوارها، اختلال در برنامه‌ریزی اقتصادی و گسترش اقتصاد زیرزمینی، در سطح اجتماعی نیز با تقویت چرخه فقر و محرومیت‌های چندبعدی گروه‌های آسیب‌پذیر، تشدید استثمار نیروی کار و فقدان امنیت شغلی همراه است. در چنین شرایطی تلاش در جهت رسمی‌سازی بازار کار و تحقق معیارهای کار شایسته ضرورتی انکارناپذیر است.

• خطرات ناشی از سوءاستفاده و استثمار نیروی کار: شرایط نامناسب کاری، عدم رعایت حقوق کار، حقوق پایین و فقدان حمایت‌های قانونی در بخش غیررسمی موجب می‌شود کارگران این بخش به شدت مستعد استثمار شوند.

• کاهش دسترسی به حقوق و مزایا و عدم امنیت شغلی: کارگران بخش غیررسمی معمولاً فاقد قراردادهای رسمی، حقوق بازنشستگی، بیمه‌های درمانی و سایر حمایت‌های قانونی هستند. فقدان این مزایا و حمایت‌ها، باعث تضعیف امنیت شغلی و معیشتی آن‌ها و کاهش رضایت شغلی می‌شود و به افزایش آسیب‌پذیری آنان در مقابل عوامل اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. از طرفی، شرایط کاری ناپایداری در مشاغل غیررسمی علاوه بر تهدید معیشت، سلامت روانی و کیفیت زندگی افراد را نیز کاهش می‌دهد.

که پدیده‌هایی مانند قاچاق کالا، پول‌شویی و فساد مالی را تشدید می‌کند. این موضوع علاوه بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی عمیقی را به همراه دارد و به کاهش اعتماد عمومی و افزایش هزینه‌های نظارتی منجر می‌شود.

پیامدهای اجتماعی

• تبعیض جنسیتی، نسلی و قومی در دسترسی به فرصت‌ها: گروه‌های اجتماعی مختلف مانند زنان، جوانان و مهاجران، به دلیل محدودیت‌های ساختاری و تبعیض‌های نهادی، به فرصت‌های رسمی اشتغال کمتر دسترسی دارند و بیشتر به سمت فعالیت‌های غیررسمی گرایش پیدا می‌کنند. این موضوع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کرده و موجب تقویت چرخه فقر و محرومیت‌های چندبعدی می‌شود.

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به عنوان یک نهاد تخصصی و کارفرمایی در گزارشی (۱۴۰۳) به صورت مفصل به ابعاد و پیامدهای اقتصاد غیررسمی در ایران می‌پردازد. این گزارش نشان می‌دهد فعالیت‌های غیررسمی پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران دارد. در ادامه به مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این گزارش اشاره خواهد شد.

پیامدهای اقتصادی

• درآمد‌های مالیاتی و فرار مالیاتی: فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی به صورت عمده بدون ثبت رسمی صورت می‌گیرند که منجر به فرار مالیاتی گسترده می‌شود. این مسئله کاهش قابل‌توجهی در درآمد‌های مالیاتی دولت ایجاد می‌کند و توانایی حکومت برای تأمین بودجه خدمات عمومی اعم از آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و امنیت را محدود می‌سازد.

• بی‌ثباتی شرایط کاری و نوسانات درآمدی: مشاغل غیررسمی به دلیل نبود چارچوب قانونی و نظارت مؤثر، فاقد امنیت شغلی و ثبات درآمدی هستند. این بی‌ثباتی در درآمد موجب افزایش ریسک‌های مالی خانوارها شده و باعث کاهش قدرت خرید و تضعیف سطح زندگی می‌شود.

• عدم توانایی در تحقق توسعه پایدار و نوآوری: بخش غیررسمی به دلیل نبود سیاست‌گذاری دقیق و برنامه‌ریزی استراتژیک دولت، ظرفیت چندانی برای حمایت از نوآوری، فناوری‌های نوین و کسب‌وکارهای باارزش افزوده بالا ندارد. فقدان سرمایه‌گذاری بلندمدت، مانع از ایجاد چرخه‌های توسعه پایدار می‌شود.

• تشویق به رقابت ناسالم و تخطی از مقررات: کسب‌وکارهای غیررسمی معمولاً از قواعد و مقررات رسمی مربوط به حقوق کار، رقابت سالم و محیط زیست پیروی نمی‌کنند. این مسئله به رقابت نابرابر در بازار رسمی منجر شده، تعادل عرضه و تقاضا را بر هم زده و کاهش کیفیت محصولات و خدمات را به دنبال دارد.

• تأثیر منفی بر بخش رسمی اقتصاد و برنامه‌ریزی اقتصادی: فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی می‌تواند بر بخش رسمی اثرگذار باشند، به ویژه در حوزه‌های مهمی مانند درآمد‌های مالیاتی، برنامه‌ریزی کلان اقتصادی و زنجیره‌های تأمین.

• گسترش اقتصاد زیرزمینی و جرایم اقتصادی: با بزرگ‌تر شدن بخش غیررسمی، اقتصاد زیرزمینی نیز توسعه می‌یابد

نگاهی به اسناد بالادستی ایران درباره مشاغل غیررسمی

اسناد بالادستی ایران به طور مستقیم به مشاغل غیررسمی پرداخته‌اند، اما برخی مواد قانونی و آیین‌نامه‌ها به صورت غیرمستقیم به این موضوع اشاره دارند. در ادامه چند مورد از آن‌ها بررسی خواهد شد.

• ماده ۴۳ قانون اساسی ایران با تأکید بر تأمین اشتغال برای همه، به طور ضمنی به لزوم ساماندهی مشاغل غیررسمی تأکید دارد، اما فقدان سازوکار اجرایی مشخص، تنظیم مشاغل غیررسمی را دشوار کرده است.

• تأکید سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر اشتغال پایدار و توسعه اقتصادی است، اما مشاغل غیررسمی به دلیل عدم پایداری با اهداف سند همخوانی ندارند و همچنین راهکار اجرایی مشخصی برای آن ارائه نشده است.

• تمرکز بندهای ۱، ۲، ۸ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در سال ۱۳۹۲ تصویب شد، بر کارآفرینی، اشتغال مولد و توانمندسازی نیروی کار بوده است. اگرچه این سیاست‌ها می‌توانند مبنای ساماندهی مشاغل غیررسمی باشند، اما فاقد آیین‌نامه اجرایی هستند.

• در ماده ۳ برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) بر حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تأکید شده است. این ماده می‌توانست به ساماندهی مشاغل غیررسمی کمک کند، اما آیین‌نامه اجرایی مشخصی برای آن نوشته نشده است.

• مواد ۷ و ۱۴۸ قانون کار (۱۳۶۹) کارفرمایان را به ثبت قرارداد کاری و بیمه تأمین اجتماعی برای کارگران ملزم کرده است. محدودیت نظارت در بازار کار ایران، اجرای درست این قانون را با مانع مواجه می‌سازد.

• یکی از اهداف آیین‌نامه ساماندهی مشاغل، اصناف و فعالیت‌های شهری (۱۳۸۷)، تنظیم دست‌فروشی و مشاغل سیار از طریق ایجاد بازارچه‌های محلی بود. اما اجرای آن محدود بوده و سایر مشاغل غیررسمی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

• قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲) به نظارت بر فعالیت‌های غیررسمی مانند فروش کالاهای قاچاق تأکید دارد. اما رویکرد تنبیهی این قانون به جای ساماندهی، ممکن است شاغلان غیررسمی را منزوی و حاشیه‌نشین‌تر کند.

به طور کلی، تحلیل و بررسی اسناد و قوانین بالادستی نشان می‌دهد که نبود تعریف مشخص از مشاغل غیررسمی در اسناد، کمبود آیین‌نامه‌های اجرایی برای تنظیم تمام مصادیق مشاغل غیررسمی، نبود نظارت و هماهنگی بین نهادها و عدم ارائه راهکار برای انتقال مشاغل غیررسمی به بخش رسمی از مهم‌ترین خلأهای قانونی و اجرایی در ایران هستند.

نقش عوامل ساختاری و سیاست‌های حمایتی در مدیریت مشاغل غیررسمی: درس‌هایی از چند کشور

تجارب جهانی نشان می‌دهند مشاغل غیررسمی نه با ممنوعیت، بلکه با جذاب‌سازی بخش رسمی کاهش پیدا می‌کنند. همچنین، ابزارهایی مانند آموزش، وام‌های خرد و کاربرد فناوری، مبارزه با فساد و بهبود زیرساخت‌ها و ترکیب حاکمیت قانون و سرمایه‌گذاری در مهارت‌ها در کشورهای مختلف، نقش مهمی در کاهش بخش غیررسمی اقتصاد داشته‌اند.

و کاهش حجم دولت (ادغام وزارت‌خانه‌ها)، فضای کسب‌وکار را بهبود بخشید. این اصلاحات با حمایت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مشاغل غیررسمی را به تدریج جذب بخش رسمی کرد. برای مثال اگرچه رفتارهایی مثل اعلام کمتر از میزان دستمزد واقعی به سازمان تأمین اجتماعی یا اشتغال فاقد قرارداد هنوز رایج است، برای مشاغل با قرارداد بیش از یک سال، عقد قرارداد کتبی الزامی است و کارفرمایان موظف به پرداخت بیمه و حقوق قانونی هستند. این سیاست به کاهش سوءاستفاده از کارگران غیررسمی و شفاف‌سازی اطلاعات کمک کرده است.

ترکیه رویکردی ترکیبی از نظارت و حمایت را در پیش گرفته است. این کشور با ارائه مشوق‌هایی مانند آموزش و بیمه سعی در رسمی‌سازی مشاغل دارد، از طرفی، موفقیت ترکیه در کاهش مشاغل غیررسمی به رشد صنعت گردشگری نیز وابسته است.

هند

هند با داشتن بیش از ۹۰ درصد از نیروی کار در بخش غیررسمی، الگویی از گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی فراتر از چارچوب‌های سه‌جانبه کلاسیک (دولت، کارفرما، اتحادیه‌ها) ایجاد کرده است. مدل هیئت‌های رفاهی کارگران ساختمانی در هند، نمونه‌ای موفق از نهادسازی چندجانبه و بومی‌سازی حمایت اجتماعی برای کارگران غیررسمی و خوداشتغالی است که به چند روش منجر به تقویت حمایت‌های اجتماعی شده است.

هیئت‌های رفاهی کارگران ساختمانی با ترکیب نمایندگان دولت، کارفرمایان و خود کارگران ایجاد می‌شوند و مسئول مدیریت منابع مالی حمایت‌های رفاهی هستند. این صندوق‌ها از محل منابعی مانند پروانه‌های ساختمانی و ضریب پیمان‌ها تأمین مالی می‌شوند و با شفافیت و پاسخگویی نسبت به اعضا فعالیت می‌کنند. این هیئت‌ها خدمات مختلفی مثل بیمه سلامت، حمایت در دوران بیکاری، جبران خسارت حوادث، حمایت‌های مهاجرتی و کمک‌های زایمان را فراهم می‌کنند. به این ترتیب، تضمین معیشت، سلامت و امنیت اقتصادی کارگران ساختمانی را بهبود می‌بخشند. از آنجایی‌که بخش بزرگی از کارگران ساختمانی هند در شغل‌های غیررسمی و کوتاه‌مدت فعالیت می‌کنند، این هیئت‌ها با طراحی سازوکارهای ثبت‌نام آسان و

غیررسمی و افزایش مشارکت در اقتصاد رسمی شده است. این کشور با ترکیب تدابیر حمایتی، سیاست‌های یکپارچه‌سازی و همکاری با فعالان غیررسمی توانسته نقش آن‌ها را به سمت مشارکت در برآورده ساختن مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی هدایت کند. یکی از عوامل کلیدی موفقیت سنگاپور در کاهش مشاغل غیررسمی، مبارزه قاطع با فساد مالی و سیاسی است که محیطی شفاف برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کرده است. این کشور با امتیاز ۰.۷۸ در شاخص حاکمیت قانون (رتبه ۱۵ جهانی) و تمرکز بر استقلال قضایی، فضایی ایجاد کرد که مشاغل غیررسمی جذب اقتصاد رسمی شدند. سیاست «تحمل صفر در برابر فساد» اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرد و فرصت‌های شغلی رسمی زیادی ایجاد کرده است. رویکرد کشور سنگاپور در برابر مشاغل غیررسمی مبتنی بر رسمی‌سازی و ادغام در اقتصاد رسمی است. این کشور با استفاده از سیاست‌های اقتصادی پیشرفته، زیرساخت‌های قوی و نظارت دقیق، توانسته بخش غیررسمی را به حداقل برساند. با این حال، این مدل برای کشورهای با منابع محدود یا ساختارهای اجتماعی متفاوت ممکن است به سستی قابل اجرا باشد، زیرا نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در آموزش و زیرساخت دارد.

ترکیه

ترکیه به عنوان یک اقتصاد درحال توسعه، با بخش غیررسمی قابل توجهی مواجه است. بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، بخش غیررسمی در ترکیه حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد که عمدتاً در کشاورزی و برخی بخش‌های خدماتی و تولیدی متمرکز است؛ دست‌فروشی، کارگران ساختمانی، مشاغل خانگی و خدمات کوچک نیز جزء همین بخش محسوب می‌شوند. با این حال، سازمان کار ترکیه (KUR) نقش مهمی در حمایت از کارگران غیررسمی ایفا می‌کند. این سازمان برنامه‌های آموزشی و کارپایی رایگان ارائه می‌دهد و کارگران را به سمت مشاغل رسمی هدایت می‌کند. شاید بتوان گفت، کاهش اشتغال غیررسمی در ترکیه تا حد زیادی ناشی از افزایش سطح تحصیلات، بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها و انتقال نیروهای کار از کشاورزی به خدمات و صنعت بوده است.

اصلاحات کمال درویش، وزیر خزانه‌داری در دهه ۲۰۰۰

امروزه، مشاغل غیررسمی به بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصادهای جهانی تبدیل شده‌اند. کشورهای مختلف جهان، با اذعان به نقش بخش غیررسمی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای بخش‌هایی از جمعیت، سیاست‌هایی را برای مقابله با پیامدهای مخرب گسترش بخش غیررسمی به اجرا درمی‌آورند. در این بخش از گزارش به تشریح سیاست‌های بازار کار در برخی کشورهای درحال توسعه در مواجهه با بخش غیررسمی پرداخته خواهد شد.

سنگاپور

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (۲۰۲۵)، سنگاپور به دلیل اقتصاد پیشرفته، زیرساخت‌های قوی و سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال فساد و فعالیت‌های غیرقانونی، بخش غیررسمی بسیار محدودی دارد. بر اساس آخرین داده‌های منتشر شده، در ۲۰۲۳ حدود ۱۰ درصد از اقتصاد سنگاپور غیررسمی است که بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی و میانگین آسیا است. این کشور از دهه ۱۹۶۰ با تمرکز بر صنعتی‌سازی، آموزش نیروی کار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش کرد تا اقتصاد خود را رسمی کند. مشاغل غیررسمی در سنگاپور عمدتاً در حوزه خدمات و فعالیت‌های کوچک مانند دست‌فروشی، بازیافت و کسب‌وکارهای خانگی است که تحت نظارت دقیق دولت قرار دارند. نمونه‌ای از آن‌ها «کارانگ گونی‌ها» (جمع‌آورندگان دوره‌گرد) هستند که به بازیافت پسماند کمک می‌کنند و بخشی از برنامه‌های مدیریت پسماند شهری شده‌اند و یا دست‌فروشان در بازارهای فروش غذای خیابانی که تحت نظارت دولت فعالیت می‌کنند و باید مجوزهای بهداشتی و تجاری دریافت کنند.

این کشور از طریق نهادهایی مانند سازمان توسعه نیروی کار و برنامه‌های آموزشی، کارگران غیررسمی را به سمت مشاغل رسمی هدایت کرده و همچنین با ایجاد پیوند میان دانشگاه‌ها و صنعت (رشد ۱۱ درصدی آموزش دانشگاهی) و تأکید بر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، نیروی کار غیررسمی را به سمت مشاغل با بهره‌وری بالا سوق داده است.

دولت سنگاپور با ارائه وام‌های کم بهره و برنامه‌های آموزشی برای کارآفرینان کوچک، افراد را به ثبت کسب‌وکارهایشان تشویق می‌کند. این سیاست‌ها باعث کاهش مشاغل

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

گزارش سیاستی «از اقتصاد غیررسمی تا عدالت شغلی: مسیرهایی برای بازسازی و

رسمی سازی بازار کار در ایران» - شماره دهم | اسفند ۱۴۰۴

برگرفته از کتاب دیباچه‌ای بر عدالت شغلی و صندوق‌های بازنشستگی؛ مقاله‌ای از اقتصاد غیررسمی تا عدالت شغلی؛ راهکارهایی برای بازسازی و رسمی سازی بازار کار در ایران» نویسنده: زهرا جعفری تنظیم: سمانه ذاکری

گذار از بحران به عدالت: پیشنهاد و راهکارهای سیاستی برای مدیریت اقتصاد غیررسمی در ایران

مدیریت بخش غیررسمی نیازمند سیاست گذاری جامع، فرابخشی و همراه با اصلاحات نهادی گسترده است که ضمن توجه به علل ساختاری و نهادی، به کاهش نابرابری ها، تقویت نظارت و ایجاد فرصت های شغلی پایدار در بخش رسمی بپردازد. این رویکرد می تواند به کاهش اثرات منفی و بهره برداری از پتانسیل های مثبت این بخش کمک کند. در ادامه با توجه به تجارب کشورهای مورد بررسی، راهکارهای سیاستی برای کاهش شکاف میان وضع موجود و وضعیت مطلوب در ایران پیشنهاد داده می شود.

سیاست های اقتصادی - ساختاری

- تسهیل رسمی سازی کسب و کارهای خرد و خانگی
 - راه اندازی سامانه یکپارچه و رایگان ثبت کسب و کارهای خرد و خانوادگی
 - ارائه مشوق های مالیاتی ۵ ساله برای کسب و کارهایی که فرایند رسمی سازی را طی می کنند
 - حذف یا تعدیل مجوزهای غیر ضروری برای خویش فرمایی و مشاغل خانگی
 - تشکیل تعاونی های کارگری در بخش های غیررسمی
- حمایت از کارفرمایان در پذیرش نیروی کار رسمی
 - یارانه دستمزد یا بیمه برای کارفرمایانی که نیروی کار غیررسمی را به رسمی تبدیل کنند
 - انعقاد قراردادهای کاری ساده سازی شده با حمایت دولت برای مشاغل روزمزد و پروژه ای
- گسترش بیمه های اجتماعی منعطف
 - طراحی بیمه های خُرد و پاره وقت برای مشاغل غیررسمی (بیمه فصلی، بیمه خانوادگی)
 - تأسیس صندوق ویژه بیمه برای زنان سرپرست خانوار، کارگران فصلی و دست فروشان

سیاست های آموزشی و مهارتی

- آموزش مهارتی رایگان و در دسترس
 - ایجاد مرکز مهارت آموزی سیار در مناطق حاشیه ای و روستایی
 - توسعه دوره های آموزش مشاغل خانگی، خدمات شهری، و پلتفرمی (دیجیتال)
- پیوند نظام آموزشی با بازار کار
 - همکاری میان وزارت کار، آموزش و پرورش و وزارت علوم برای طراحی آموزش مهارت محور
 - ایجاد گواهی نامه مهارت شغلی معتبر ملی برای شاغلان غیررسمی بدون تحصیلات رسمی
- سیاست های اجتماعی - حمایتی
 - بسته های حمایتی برای گروه های آسیب پذیر
 - یارانه اشتغال ویژه زنان، جوانان و افراد کم سواد در مناطق محروم
 - اختصاص منابع هدفمند از محل حذف یارانه های غیرهدفمند برای پوشش بیمه ای مشاغل غیررسمی
- تقویت امنیت شغلی در بازار کار غیررسمی
 - تصویب قانون حمایت از کارگران فاقد قرارداد رسمی با تضمین حداقل حقوق و مرخصی
 - ایجاد سامانه شکایت و پیگیری حقوق کارگران غیررسمی در قالب پلتفرم دولتی
 - ایجاد تشکل های مستقل کارگری

سیاست های نهادی - حکمرانی

- پایش و شناسایی دقیق بازار کار
 - راه اندازی نقشه ملی اشتغال غیررسمی با همکاری مرکز آمار، بیمه، و شهرداری ها
 - استفاده از داده های تلفن همراه، تراکنش مالی و GPS برای ردیابی اشتغال پنهان با حفظ محرمانگی
- اصلاح نهادهای نظارتی و مقرراتی
 - اصلاح ساختار بازرسی کار برای افزایش نظارت مؤثر در مشاغل خرد و پراکنده
 - جلوگیری از فساد اداری در صدور مجوز و بازرسی با شفاف سازی فرایند

حمایت های هدفمند، پوشش حمایتی را به افرادی می دهند که معمولاً از نظام های رسمی مستثنی هستند. همچنین فرصت مشارکت فعال کارگران در تصمیم گیری و مدیریت منابع را فراهم می کنند و به این ترتیب حس مالکیت و مسئولیت پذیری را تقویت می نمایند. این حالت موجب افزایش اعتماد و دوام برنامه ها شده است. این سازوکار بخشی از سیاست های جامع دولت هند برای کاهش فقر چندبعدی و تضمین اشتغال پایدار است و در قالب قوانین کار و تأمین اجتماعی مورد حمایت و نظارت قرار دارد و به افزایش مهارت و توانمندسازی کارگران نیز کمک می کند.

به طور کلی، هیئت های رفاهی کارگران ساختمانی هند با ایجاد نهادهای مالی و مدیریتی محلی و تعاملی، پرداخت حمایت های متنوع و هدفمند و تأمین منابع پایدار، بستری برای ارتقای عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی کارگران غیررسمی فراهم کرده اند. این مدل با اینکه با چالش هایی مثل فساد و بوروکراسی مواجه است، توانسته فضای یکنای تعامل میان دولت، کارفرما و کارگر را عملیاتی و قابل توسعه سازد و الگوی موفق در حمایت اجتماعی از نیروی کار غیررسمی معرفی کند؛ بنابراین ظرفیت بالایی برای نهادسازی و گسترش عدالت حمایتی دارد.

اندونزی

بخش غیررسمی در اندونزی شامل دست فروشی، رانندگان موتورسیکلت مانند (Gojek) و کشاورزی کوچک است. ادغام شرکت های فناوری مانند Gojek و Tokopedia با اقتصاد غیررسمی، فرصت هایی برای رسمی سازی ایجاد کرده است. این شرکت ها کارگران غیررسمی را به پلتفرم های دیجیتال متصل کرده و امکان دسترسی به بیمه و درآمد پایدار را فراهم می کنند.

این کشور با استفاده از پلتفرم های دیجیتال مانند Gojek و Grab، کارگران غیررسمی (مانند رانندگان موتورسیکلت و تحویل دهندگان غذا) را به اقتصاد رسمی متصل کرده است. این مدل ترکیبی از فناوری، آموزش و حمایت مالی است. این پلتفرم ها به کارگران غیررسمی امکان دسترسی به بازارهای بزرگ تر و درآمد پایدار را می دهند. همچنین Gojek دوره هایی آموزشی برای بهبود مهارت های دیجیتال و خدمات مشتری ارائه داده و برخی پلتفرم های بیمه های محدود (مانند بیمه حوادث) و دسترسی به وام های خرد را برای کارگران فراهم می کند.

استفاده از فناوری های دیجیتال مانند پلتفرم های Gojek در اندونزی (به عنوان ابزاری برای رسمی سازی مشاغل غیررسمی)، یکی از نوآوری های کلیدی این منطقه است که میلیون ها کارگر غیررسمی (حدود ۲ میلیون راننده در Gojek تا سال ۲۰۲۳) را به اقتصاد دیجیتال متصل کرده و درآمد و امنیت شغلی آن ها را بهبود بخشیده است. با این حال در این کشور چالش هایی مانند فقدان پوشش کامل بیمه اجتماعی و وابستگی به پلتفرم های خصوصی همچنان وجود دارند.